

«تکیه دولت» و کاربردهای آن

دکتر سیدعلی رضا ابطحی*

دکتر احمد کامرانی فر**

مأده شریفیانا***

چکیده

تعزیه و عزاداری برای شهدای کربلا، از مراسم دیرپای جامعه ایران به ویژه پس از رسمی شدن آیین تشیع است. مخصوصاً در دوره قاجار که برای کسب مشروعیت مردمی، تشویق می‌شد. در این زمان هر طبقه و صنف برای برگزاری عزاداری، علاقه نشان می‌دادند و سعی می‌کردند تا از طریق ساختن تکیه و وقف آن، اجر دنیوی و اخروی کسب کنند و نام نیکویی برای خود باقی بگذارند.

دوران حکومت ناصرالدین شاه، از مقاطع رونق عزاداری و برپایی مراسمی از این قبیل بود و سال ۱۲۹۰ قمری، به فرمان شاه قاجار نیز تکیه‌ای به همین منظور توسط معماران و مهندسان ساخته شد. اما این دوران طولی نکشید و با مرگ ناصرالدین شاه، برپایی مراسمی از این قبیل رو به افول

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۱۷ تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۰/۵

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.

*** دانش‌جوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد (Maede.sharifiana@yahoo.com).

نهاد تا این که رضاشاه دستور ممنوعیت تعزیه را صادر کرد. در سال ۱۳۲۵ شمسی دستور به ویران کردن «تکیه دولت» داده شد. در این مقاله به مواردی چون: معنای لغوی، ساخت «تکیه دولت» و مشخصات فنی «تکیه دولت»، چگونگی اجرای مراسم تعزیه در «تکیه دولت» و برخی دیگر از کاربردهای متنوع آن سخن به میان می‌آید.

واژگان کلیدی

تکیه دولت، ناصرالدین شاه، تعزیه، تهران.

مقدمه

نخستین عزاداری رسمی بر شهیدای کربلا در جهان اسلام توسط آل بویه (۳۳۴-۴۴۷ ق/۹۴۶-۱۰۵۵ م) برگزار شد و به دستور معزالدوله (۳۲۰-۳۵۶ ق/۹۳۲-۹۶۷ م) روز عاشورا، تعطیل عمومی اعلام گردید تا در این روز مردم عزاداری کنند. از آن به بعد، عزاداری برای امام حسین علیه السلام رایج شد. با روی کار آمدن دولت صفویه به عنوان یک دولت شیعه، عزاداری شکل سازمان یافته‌ای گرفت. و کتاب‌هایی در زمینه تعزیه نوشته شد؛ از جمله کتاب *روضه‌الشهداء*. نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق) برپایی مراسم عزاداری را از آن جهت که موجب اختلافاتی میان شیعیان و سنیان عثمانی می‌شد، ممنوع کرد. در زمان سلطنت کریم‌خان زند (۱۱۶۵-۱۱۷۹ ق)، یکی از سفرایی که به اروپا فرستاده شده بود پس از بازگشت، حکایت‌هایی از تئاترهای اروپایی گفت و کریم‌خان زند دستور داد تا واقعه عاشورا را به صورت نمایش درآورند. بدین ترتیب در دوره زندیه، تعزیه کامل‌تر از دوره‌های قبل گردید. به دنبال فتوی آیت‌الله قمی، و به علت تشویق‌های صدراعظم محمدشاه، حاج میرزا آقاسی، مراسم تعزیه و عزاداری در دوره قاجاریه رونق خاصی گرفت و در زمان ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. تا قبل از آن مراسم عزاداری در بقاع متبرکه، کاروان‌سرا، میادین، صحن امامزاده‌ها، بازار و کوچه‌ها برگزار می‌شد. اما در سال‌هایی که محرم و صفر مصادف با زمستان بود، مراسم برگزار نمی‌شد. لذا نیاز به مکان‌هایی سرپوشیده برای برگزاری تعزیه احساس شد. در نتیجه ناصرالدین شاه دستور به ساخت تکیه دولت داد.

سؤالات مطرح در این پژوهش عبارتند از:

۱. دلیل واقعی ساخت تکیه دولت چه بود؟
۲. علت افول تکیه دولت بعد از ترور ناصرالدین شاه چه بود؟

۳. تکیه دولت چه کاربردهایی داشته است؟

می‌توان گفت: علاقه مردم به عزاداری و استقبال آنها از مراسم تعزیه، دلیل اصلی ساخت تکیه دولت بود. بعدها به دلایل سیاسی - اجتماعی و حوادث مشروطه، مراسم عزاداری رو به افول نهاد. برپایی مراسم عزاداری برای خاندان سلطنتی و ... مهم‌ترین کاربرد تکیه دولت بود.

در کتاب‌هایی از جمله تعزیه هنر بومی و پیش‌رو ایران از پیتر چلکووسکی، و پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از عنایت‌الله شهیدی، اطلاعاتی در مورد تکیه دولت می‌توان یافت. هم‌چنین در پاره‌ای از سفرنامه‌های جهان‌گردان اروپایی می‌توان اطلاعاتی به دست آورد؛ علی‌رغم این‌که جهان‌گردان به راحتی حق ورود به تکیه دولت را نداشتند، اطلاعات ارزش‌مندی را در اختیار ما قرار داده‌اند.

تکیه دولت و کاربردهای آن

واژه تکیه

در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها برای تکیه به جز معنای لغوی آن (بشت دادن و تکیه کردن به چیزی یا قرار گرفتن بر آن) سه معنای دیگر ذکر شده است: ۱. گورستان و بقاع مشایخ صوفیان و عارفان و قدیسان؛ ۲. محل نگهداری فقیران و تهی‌دستان (کاروان‌سرا و منزلگاه فقیران صوفیه)؛ ۳. جایی وسیع که در آن مراسم عزاداری و شبیه‌خوانی برپا کنند.^۱ تکیه در نزد درویشان به معنای جایگاه درویشان است که خانقاه تعبیر دیگر آن است. به مرور با رواج تشیع در ایران، تکیه در نزد مردم به حسینیه، محلی برای عزاداری حضرت سیدالشهداء و ائمه شیعیان درآمد.^۲

بنا و ساخت تکیه دولت

مردم و بانیان در ساختن تکیه برای برگزاری تعزیه، شوق و علاقه زیادی نشان می‌دادند و می‌کوشیدند تا از طریق ساختن تکیه و وقف آن، اجر دنیوی و اخروی برای خود کسب کنند و در میان آشنایان نامی نیکو برجای گذارند.^۳ حاج میرزا آقاسی،

۱. عنایت‌الله شهیدی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی: از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، ص ۲۴۴.

۲. برای آگاهی بیشتر نک: عبدالحجّة بلاغی، تاریخ تهران، ج دوم، ص ۴۸؛ ناصر تکمیل همایون، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ج دوم، ص ۱۸۲؛ سیدمحمدتقی مصطفوی، آثار تاریخی تهران: اماکن متبرکه، تصحیح میرهاشم محدث.

۳. محسن معتمدی، جغرافیای تاریخی تهران، ص ۲۳۶.

صدراعظم محمدشاه، در محله بازار در راسته عباس آباد تکیه‌ای ساخت که بزرگ‌ترین تکیه تهران آن زمان بود.^۱

در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، تعداد تکایای تهران در حدود ۵۴ باب بود که در اواخر سلطنتش به ۷۵ باب افزایش یافت. مهم‌ترین تکیه‌ها بعد از تکیه حاج میرزا آقاسی (عباس آباد) و تکیه دولت، عبارت بودند از: تکیه سپه‌سالار، تکیه ولی‌خان، تکیه نوروزخان، تکیه اسماعیل بزاز، تکیه قورخانه، تکیه دباغ خانه، تکیه عودلاجان، تکیه زنبورک‌خانه و ...

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۵۰ شمسی (۱۲۸۳ق)، به انگلستان سفر کرد و به مشاهده تئاترهای اروپایی نایل آمد. مکان تئاترها گنجایش تعداد زیاد تماشاگر را داشتند. این عامل و نیز افزایش جمعیت تهران و اشتیاق مردم، اعیان و اشراف به تعزیه و علاقه شاه به داشتن مکانی مناسب و سرپوشیده برای برگزاری تعزیه‌های دولتی برای دولت مردان و درباریان و این‌که تکیه دولت قدیم (تکیه حاج میرزا آقاسی) گنجایش انبوه تماشاگران تهرانی را نداشت و محل مناسب برای مراسم تعزیه نبود، شاه آن‌چنان تحت تأثیر قرار گرفت که پس از مراجعت از انگلستان، به مهندسان خود دستور داد تا مشابه آن‌چه را که دیده بود، در کنار کاخ گلستان بسازند که همان تکیه دولت بود. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۳ قمری به دوستعلی خان معیرالممالک دستور داد تا همراه ساختن کاخ شمس‌العماره، تکیه وسیع و بزرگی هم در کنار آن بنا کنند. معیرالممالک، مهندسان و معماران مشهور تهران را برای این کار گرد آورد. تا سال اتمام ساختمان شمس‌العماره، معمار یا معماران فقط به تهیه مقدمات کار و ابزار و مصالح ساختمانی تکیه و طراحی و پی کنی و امثال آن پرداختند تا این‌که در سال ۱۲۹۰ تکیه دولت پایان یافت.^۲ حسینعلی مهرین معمار و سازنده بنای تکیه دولت بود.^۳

معیرالممالک مأموریت داشت تکیه‌ای بزرگ با ظرفیت حداقل بیست هزار نفر بسازد. وی چون به دلایل امنیتی و رفت و آمد شاه و اهل حرم به محل تعزیه، الزام داشت این تکیه را در محلی مجاور ارگ سلطنتی احداث کند، ناچار شد قسمتی از زندان دولتی و

۱. برای آگاهی بیشتر نک: بدری آتابای، فهرست تاریخ، سفرنامه، سیاحت‌نامه، روزنامه و جغرافیای خطی کتابخانه سلطنتی، ص ۲۶-۲۷؛ علی بلوک‌باشی، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی، ص ۹۵-۹۶؛ مسعود نوریخس، تهران به روایت تاریخ، ج ۲، ص ۸۲۴-۸۲۵.

۲. پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، همان، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۳. زهره بزرگ‌نیا، معماران ایران از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار.

سیاه‌چال و نیز عمارت مسکونی امیرکبیر و بعضی انبارهای قدیمی و کهنه ارگ را که در ضلع جنوبی کاخ گلستان بود به این امر اختصاص دهد.^۱ هزینه بنای تکیه دولت در حدود ۱۵۰ هزار تومان شد.^۲ جبران مخارج گزاف دربار در برافراشتن تکیه دولت تا حدودی از طریق وصولی‌های حق اشتراک سالانه اعیان و اشراف از جاهای مخصوص تأمین گردید که مقدار آن در سال بالغ بر ۱۶۲۵۰ قران (۴۸۸ پاوند استرلینگ) بود.^۳

معماری تکیه دولت

تکیه دولت دارای ارتفاع تقریبی ۲۴ متر و عرض حدوداً ۳۴ متر بود. قطر بنا حدود شصت متر (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۱۸۳) و از خارج به صورت منشوری هشت‌ضلعی و از داخل به شکل استوانه‌ای کامل طراحی شده بود.^۴

هنوز ساختمان تکیه کامل نشده بود که مخالفت‌هایی برای اجرای نمایش در آن صورت گرفت و ناصرالدین شاه آن را به تعزیه‌خوانی اختصاص داد. قبل از آن، تعزیه‌خوانی در قصر شاهی و در زیر چادر انجام می‌گرفت. مادام کارلا سرنا، یکی از جهان‌گردان خارجی از این بنا دیدن کرده است. وی در مورد معماری تکیه دولت می‌نویسد:

دیوارهای خارج بنا مانند قسمت داخلی آن، فاقد هرگونه آرایشی هستند. حتی روی آجرها را با گچ یا آهک نپوشانده‌اند. راهروهایی که از قصر به تکیه دولت متصل می‌شدند، پر پیچ و خم و تاریکند. نمای سردر اصلی، نمونه‌ای از معماری جدید ایرانی است؛ انبوهی از تاق، تاقچه، برج که با کاشی‌کاری و شیشه‌های ریزریز، تزیین شده بود. اثر چنین سبکی در بیننده بدیع و حتی قشنگ است، اما هیچ عظمت و ابهتی ندارد...

اصل بنا با آجر ساخته شد و به مرور، قسمت‌های درونی‌اش با کاشی‌های لعاب‌دار آبی‌رنگ پوشانیده شد. کاشی‌کاری‌های رنگارنگ همراه با تزیینات حدود شصت غرفه که در سه ردیف روی هم ساخته شده بودند، به فضای درونی تکیه چهره زیبایی بخشیده بود. همان‌گونه که ذکر شد، تکیه دولت به صورت دایره بنا شد و شامل سه طبقه برای اسکان و سکونت و با سردابه‌ها، چهار طبقه می‌شد.^۵ اتاق‌های طبقه اول ویژه وزرا و حکام

۱. م. حسن بیگی، تهران قدیم، ص ۳۱۸.

۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، المائر الآثار، ص ۵۸.

۳. وحید قبادیانی، معماری در دارالخلافة ناصری، ص ۱۳۱.

۴. در سرزمین آفتاب، همان، ص ۱۰۵.

۵. برای آگاهی بیشتر نک: تاریخ تهران، همان، ص ۱۲؛ المائر الآثار، همان، ص ۵۸.

ولایات بود که تقسیم آن با نظارت ناظر(فراش‌باشی) بین آنها انجام می‌شد. هر وزارت‌خانه و ایالت می‌بایست یکی از اتاق‌ها را تزئین می‌کردند. اعیان و بزرگان تهران، به مناسبت روابط خصوصی با پیشکار یا دوستی با وزیر به این تاق‌نما دعوت می‌شدند. اتاق‌های طبقه دوم ارسی داشت و مخصوص زنان حرم بود. طبقه سوم جایگاه نقاره‌چی‌ها بود که با نرده‌ای محافظت می‌شد.^۱ غرفه‌هایی که در طبقه هم‌کف قرار داشت، دارای پوشش نبود ولی غرفه‌های دیگر که مخصوص زنان اندرون بود، با پنجره‌های مشبک چوبی مسدود بودند.^۲

تاق‌نما به دو قسمت تقسیم می‌شد: غرفه جلویی و غرفه پشتی. بعضی از این غرفه‌ها مخصوص زنان بود. هر غرفه به شاه‌زاده یا یک مقام والا اختصاص داشت که آن را به هزینه و سلیقه خود مانند طبقات پایین و بالاتر تزئین می‌کردند. خدمت‌کاران در غرفه‌های پشتی چای، شربت و غذا جهت پذیرایی حاضران هر یک از این غرفه‌ها و اتاق‌ها آماده می‌کردند.^۳

لیدی شیل در مورد غرفه شاه نوشته است:

... جایگاه مخصوص شاه در بالا و روبه‌روی صحنه قرار داشت و در سمت راست آن، ابتدا جایگاه عموهای شاه و صدراعظم و پس از آن به ترتیب محل نشستن وزیر مختار انگلیس و وزیر مختار روسیه و دیگران قرار داشت. در سمت چپ جایگاه مادر شاه، زن‌های شاه، همسر صدراعظم، من و همسر وزیر مختار روسیه قرار داشت. در اثنای نمایش، با پذیرایی مستمر به‌وسیله چای و قهوه و قلیان، رفع خستگی تماشاگران می‌شد...^۴

برای افراد عادی نیز امکان حضور در تکیه دولت وجود داشت. بعضی از جهان‌گردان خارجی به نحوه حضور آنها اشاره کرده، می‌نویسند:

۱. اوژن اوین، *ایران امروز*، ص ۱۹۰.
 ۲. نشستن زنان ناصرالدین شاه و زنان اعیان و اشراف در پشت پرده زنبوری به سبب آن بود که مردم آنها را نبینند و آنان نیز به راحتی روبند از چهره بردارند و در تماشای مردم و صحنه‌ها و گریستن آزاد باشند. ناصرالدین شاه نیز گهگاه در پشت پرده زنبوری می‌نشست تا مردم او را در حال گریستن نبینند تا هیبتش هم‌چنان پابرجا بماند. برای آگاهی بیشتر نک: ارنست اورسل، *سفرنامه اورسل*، ص ۱۵۹؛ پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، همان، ص ۲۲۳.

۳. نیکی آر. کدی، *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، ص ۱۶۹-۱۶۸.

۴. *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، ص ۶۸.

... تماشاگران عادی در چندین ردیف دایره‌وار دور صحنه می‌نشستند و عده کمی در پشت سر زن‌ها ایستاده بودند...^۱

در جلو غرفه‌های طبقه پایین، چندین ردیف پله قرار داشت که از آنها در یک سمت تکیه برای نشستن تماشاگران به خصوص زنان و در سوی دیگر برای چیدن چل‌چراغ‌های پایه‌دار، لاله‌ها، شمع‌دانها، چراغ‌ها و گذاشتن آئینه‌ها و تابلوهای مذهبی، از جمله مجلس قربانی اسماعیل و دیدار یوسف و یعقوب و غیره استفاده می‌کردند. هنگام برگزاری تعزیه در شب، همه چل‌چراغ‌ها و لاله‌ها روشن و با بیش از پنج هزار شمع روشنائی تکیه دولت ناشی می‌شد هم‌چنین تیرک‌های چوبی به شکل فانوس قرار داشت که در بالای آن چهار چراغ گاز (که بعد به چراغ برق تبدیل گردید)، نصب شده بود و به سبب این که نور آن مانع تماشای افراد غرفه‌های بالایی نگردد، چهار چتر بر بالای آن بسته بودند. در صدر تکیه، منبر بزرگ بیست پله‌ای و یک پارچه از سنگ مرمر نصب کرده بودند که پیش از شروع مراسم تعزیه، روضه خوان‌ها بر بالای منبر می‌رفتند و به شرح مصیبت می‌پرداختند. در گردگرد تخت نمایش، راهی نیز برای حرکت دسته‌ها، سوارها و فیل‌ها، شترها و درشکه‌ها و اسب‌ها و ورود و گردش صفوف دیگر ساخته بودند.^۲

در وسط تکیه سکویی از سنگ به بلندی یک متر ساخته بودند که به آن تخت می‌گفتند و بازی‌گران و شبیه‌خوان‌ها از پله‌هایی که در چهار طرف آن بود، بر بالای سکو رفته، نقش خود را اجرا می‌کردند.^۳

تکیه دولت سه درب داشت که هر کدام مخصوص ورود و خروج افراد خاصی بود: دربی که به طرف کاخ گلستان باز می‌شد، برای ورود و خروج شاه و درباریان و اندرونی در نظر گرفته شده بود. درب مقابل شمس‌العماره مخصوص زنان و درب مقابل بازار مخصوص ورود و خروج مردان بود.^۴

زیربنا و تأسیسات تکیه دولت آن قدر وسیع بود که پوشاندن سقف آن به هیچ وجه میسر نبود. چوب‌بست‌هایی به شکل گنبد با چند میله آهنی و پشت‌بندهای آجری سقف آن را تشکیل می‌داد. تعداد این چوب‌بست‌های هلالی ابتدا چهار نیم‌دایره بود. اما چون در

۱. برای آگاهی بیشتر نک: ادوارد براون، یک‌سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، ص ۵۵۵؛ گرین

ویلر بنجامین، ایران و ایرانیان، رحیم رضازاده‌ملک، ص ۴۴۶.

۲. یحیی ذکاء، تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران، ص ۲۹۴-۲۹۷.

۳. ناصر نجمی، ایران قدیم و تهران قدیم، ص ۳۱۵.

۴. امیرحسین ذاکرزاده، تاریخ و سرگذشت تهران قدیم، ص ۱۲۸.

اواسط سلطنت مظفرالدین شاه بنا از چند محل شکست برداشت، شاه ((مسیو بتن)) مهندس فرانسوی را به فرنگ فرستاد. او ستون‌های هلالی آهنی با خود به تهران آورد. تعداد نیم هلال‌های آن دوازده عدد بود و همه آنها با پیچ و مهره به هم بسته می‌شد.^۱ بعضی از جهان‌گردان در مورد سقف تکیه دولت نوشته‌اند:

در ایام عزاداری، بر تیرهای سقف پرده‌های ضخیم کرباس می‌کشیدند تا محافظ مردم از تابش آفتاب و باران باشد.^۲

زمان تعزیه و چگونگی مراسم در تکیه دولت

تکیه دولت در اواخر ذی‌الحجه، چند روز مانده به اول محرم برای تعزیه آماده می‌شد. نایب‌النظاره دربار (که سرپرست و مدیر امور تشریفاتی بود)، با هم‌کاری ناظم‌البکا و کارکنان «نظارت‌خانه» تکیه را آماده می‌کردند. ابتدا چادر بر سقف می‌کشیدند و تکیه را جاروب و تمیز می‌کردند، آن‌گاه پارچه‌های سیاه بر دیوار و جرزهای تاق‌نما می‌آویختند و سپس جایگاه شاه را با قالی و پارچه‌های رنگارنگ و چلچراغ و مانند آن تزئین می‌کردند. مراسم روضه‌خوانی در محرم تا روز تاسوعا، در تکیه دولت برگزار می‌شد و گاه تا دهم و دوازدهم یا چهاردهم نیز ادامه داشت و حتی مراسم تعزیه‌خوانی در آن، از یازدهم تا آخر محرم و گاهی تا آخر صفر نیز ادامه داشت و برخی اوقات در ماه‌هایی غیر از محرم و صفر، تعزیه‌خوانی برقرار می‌شد.^۳ نمایش تعزیه در دو نوبت شبانه‌روز، یکی عصر از سه تا نیم ساعت قبل از غروب و دیگری از دو تا پنج و شش ساعت از شب گذشته، برگزار می‌شد.^۴ تمام برنامه‌ها و مراسم برگزار شده در تکیه دولت دینی و مذهبی نبود. گاهی اوقات قضیه جهت عکس پیدا می‌کرد. در سفرنامه اوژن اوبن آمده است:

... برنامه‌هایی که روز اجرا می‌شد، کاملاً مذهبی و اخلاقی است اما برنامه نمایش‌های شب تقریباً همیشه غیراخلاقی حتی گاهی کفرآمیز و از موضوعات غیرمتنوعی است. تنها مردها مجاز به تماشای آن هستند. هنگام شب تالار (تکیه) در زیر نور چلچراغ‌ها می‌درخشد و منظره آن بسیار زیباتر از روز است...^۵

۱. تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران، همان، ص ۲۹۳-۲۹۴

۲. برای آگاهی بیشتر نک: نوییوشی فوروکاوا، سفرنامه فوروکاوا، دکتر هاشم رجبزاده و کینیچی ئه اورا، ص ۹۰؛ بایندر، سفرنامه هانری بایندر، کرامت‌الله افسر، ص ۴۷۳ هنری.

۳. پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، همان، ص ۱۸۴.

۴. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ص ۲۹۳.

۵. ایران امروز، همان، ص ۱۹۱.

موضوع نمایش نامه (تعزیه‌ها) از سرگذشت شهیدان و یا بعضی از افسانه‌های ایرانی اقتباس می‌شد. معین‌البکا در انتخاب نهایی نوع تعزیه‌هایی که در تکیه دولت باید به اجرا در می‌آمد، بدون چون و چرا تابع نظر شاه بود.^۱ برنامه‌هایی که در طول سال اجرا می‌شد عبارت بودند از:

الف) برنامه‌های صبح شامل:

۱. اول محرم: رحلت پیامبر ﷺ؛
۲. شهادت حضرت فاطمه علیها السلام؛
۳. وداع با مدینه. امام حسین علیه السلام پیش از عزیمت به کربلا، برای آخرین بار قبر پیامبر ﷺ را زیارت می‌کند او پیشاپیش، پسرعمویش (مسلم) را به [کوفه] فرستاده بود؛
۴. ورود امام حسین علیه السلام به کربلا و شهادت حر؛
۵. اهل بیت امام حسین علیه السلام به صورت اسیر و زندانی به دربار یزید، در دمشق برده می‌شوند؛

۶. شهادت امام حسین علیه السلام؛

ب) برنامه‌های عصر شامل:

۱. شهادت مسلم و دو طفل معصومش؛ درگذشت زینب خواهر امام حسین علیه السلام؛
۲. شهادت حضرت عباس علیه السلام، برادر امام حسین علیه السلام. آمدن [حضرت] سلیمان به کمک امام حسین علیه السلام که متأسفانه خیلی دیر می‌رسد؛
۳. شهادت علی اکبر، فرزند امام حسین علیه السلام؛ فروخته شدن یوسف به دست برادران و ماجرای او با زلیخا؛

۴. شهادت قاسم فرزند امام حسین علیه السلام؛ عروسی سلیمان با بلقیس، ملکه سبا.

ورود غیرمسلمانان به تکیه دولت به راحتی صورت نمی‌گرفت.^۲ اما برای مردم شهر ورود به تکیه شرط خاصی نداشت و آزاد بود. به این دلیل که جمعیت بیشتر، دلیل بر مقبولیت برنامه‌ها بود.^۳

اولین سال تعزیه‌خوانی در تکیه دولت مبهم است و ظاهراً در محرم سال ۱۲۹۱، نخستین تعزیه‌خوانی در این تکیه برگزار شده ولی به سبب این که همان سال و سال بعد،

۱. همان.

۲. *ایران و ایرانیان*، همان، ص ۴۳۸.

۳. *تهران قدیم*، همان، ص ۳۳.

ایام محرم مصادف با زمستان بود و به دلیل ناتمام بودن بعضی از بخش‌های تکیه، تعزیه‌خوانی با نظم و ترتیب در آن برگزار نمی‌شد. و از سال ۱۲۹۳ یا ۱۲۹۴ قمری، تعزیه‌خوانی در این تکیه با شکوه و جلال تا سال‌ها ادامه داشت.^۱

وضعیت تکیه دولت بعد از ناصرالدین شاه تا پایان قاجار

با ترور ناصرالدین شاه و پس از دوران سلطنت او، با مخالفت‌هایی که از جانب فقها در مورد نحوه و موضوع مراسم تعزیه صورت گرفت، موجب شد که تکیه دولت رونق گذشته خود را نداشته و رو به افول گذارد.^۲ هم‌چنین در دوران سلطنت مظفرالدین شاه (۱۲۷۵-۱۲۸۶ش) تغییراتی در وزن داربست‌های چوبی طبقه سوم به دلیل وزن زیاد آنها داده شد و به ناچار داربست‌های چوبی یک طبقه از تکیه را برداشتند و به جای آن از تیرآهن فلزی استفاده کردند.^۳

اوضاع سیاسی - اجتماعی دوران مظفری، تجددمآبی و مشروطه‌خواهی و رواج تدریجی نمایش و تئاتر و سرگرمی‌های تازه در ایران و غرب‌گرایی و شیوه غربی زیستن، تغییر و تحولی در وضع زندگی اجتماعی و تفکر شهرنشینان به ویژه قشرها و طبقات فرادست و متوسط جامعه‌های شهری پدید آورد و موجب شد تا تعزیه‌خوانی، جایگاه و بخشی از مخاطبان پیشین خود را از دست بدهد. با وجود این، تعزیه‌خوانی‌های دولتی تا اوایل مشروطه و تعزیه‌خوانی‌های عمومی تا زمان رضاشاه کم و بیش ادامه داشت.^۴

محمدعلی‌شاه و درباریان او ظاهراً برای تحکیم پایه‌های سلطنت، کوشش کردند تا سنت‌های دربار را حفظ کنند و از این جهت هر ساله در ایام محرم، مراسم تعزیه‌خوانی تکیه دولت کم و بیش با همان ویژگی‌های قبلی برگزار می‌شد.

دوره سلطنت محمدعلی‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ق) و احمدشاه (۱۳۲۷-۱۳۴۴ق) آخرین سال‌های تعزیه‌خوانی در تکیه دولت بود و بعد از آن تعزیه‌خوانی در تکیه دولت تعطیل شد.^۵ به دنبال کودتای ۱۲۹۹ شمسی و به قدرت رسیدن سردار سپه، برای این‌که تکیه دولت بدون استفاده نماند، رضاشاه در سال ۱۳۰۲ دستور داد خرابی‌هایی را که در طی

۱. پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، همان، ص ۱۸۳.

۲. تعزیه در ایران، همان، ص ۱۲۷.

۳. ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، همان، ص ۱۶۹.

۴. پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، همان، ص ۱۱۶ و ۱۹۷.

۵. همان، ص ۲۰۲-۲۰۳.

سال‌های بسته بودن تکیه به وجود آمده بود تعمیر کنند و آن‌جا را به نمایشگاه کالاهای وطنی اختصاص داد.^۱

در سال ۱۳۰۴ قمری مجلس مؤسسان در محل تکیه دولت تشکیل شد. اما رضاشاه، علی‌رغم توجه و تمایل اولیه و در جهت پیمودن مراحل قدرت در اوایل سلطنتش، برگزاری مجالس روضه‌خوانی را دستور داد اما بعدها عزاداری و برگزاری مراسم تعزیه به شدت محدود شد.^۲

علل ممنوعیت عزاداری و تعزیه

مراسم تعزیه و عزاداری به عللی ممنوع شد؛ از جمله:

۱. علل مذهبی: تعزیه در دوران ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه که با عظمت برگزار می‌شد، از مسیر اصلی خود خارج گردید و به مکانی برای تفریح و سرگرمی درباریان و شاه و به مراسمی غیر مذهبی تبدیل شد.

۲. علل سیاسی: اختلافات سیاسی - مذهبی که در دوره قاجار میان ایران و ترکیه وجود داشت، در دوره رضاشاه از میان رفته بود و دیگر به برانگیختن حس اختلاف میان شیعه و سنی نیازی نبود.

۳. علل اجتماعی: انقلاب مشروطه و دست‌آوردهای آن، باعث آگاهی مردم به حقوق خود شد و تبلیغاتی که در جهت روشن شدن اذهان عمومی صورت گرفت و بالاخره اوضاع اجتماعی - اقتصادی را تا حدی دگرگون کرد و پدیدار شدن سرگرمی‌های تازه از جمله: نمایش‌های شاد، ترجمه نمایش‌های خارجی، طرح و ایجاد مسابقات ورزشی و استقرار قوانین کار، توجه به تحصیلات در کشورهای اروپایی و صدماتی که دولت قاجار به تعزیه صحیح و راستین زد و دور افتادن آن از اصل خود، باعث شد تعزیه در تهران و برخی شهرهای بزرگ رو به رکود گذارد. اما تعزیه برای ادامه حیات در شهرهای کوچک و روستاها به حیات خود ادامه داد و حتی بر رونق آن افزوده شد. تکیه دولت از آن پس، متروک گردید و رو به ویرانی نهاد.^۳ پس از ۷۵ سال در دوره سلطنت محمدرضاشاه در سال ۱۳۲۵ شمسی به دستور عبدالحسین هژیر خراب گردید و در همان محل، ساختمان بانک

۱. پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، همان، ص ۲۰۶.

۲. تعزیه در ایران، همان، ص ۱۲۷.

۳. صادق همایونی، گفتارها و گفت‌گوهایی درباره تعزیه، ص ۴۴-۵۲.

ملی شعبه بازار و یک پاساژ و چند ساختمان مدرن ایجاد کردند. تخریب ساختمان تکیه دولت یکی دو سال طول کشید، سپس عمل ویران و تسطیح کردن تکیه دولت کامل شد.^۱

با توجه توضیحات ذکر شده، کاربردهای تکیه دولت در طول سال‌های پس از ترور ناصرالدین شاه تا تخریب کامل آن در سال ۱۳۲۵ شمسی را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱. محلی برای اجتماع امنای دولت و رجال به منظور رسیدگی به امور بود و گاهی به کارهای مسئولان کشوری رسیدگی می‌شد.^۲
۲. مراسم تشییع جنازه ناصرالدین شاه (اردیبهشت ۱۲۷۵) و مراسم تشییع جنازه مظفرالدین شاه (۱۲۸۶) در همین مکان برگزار شد.
۳. در پاییز ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان در این مکان تشکیل شد و رضاخان را به شاهی ایران انتخاب کرد.
۴. عزل احمدشاه در تکیه دولت اتفاق افتاد.^۳
۵. تشکیل نمایشگاه‌های محصولات و جلسات سربازگیری ارتش در سال‌های نخستین سلطنت رضاشاه در این عمارت برپا شد.^۴
۶. محلی برای نگه‌داشتن حیوانات زنجیری و نگه‌داری انواع جانوران سلطنتی در تکیه بود.^۵

نتیجه

تعزیه از زمان آل‌بویه در ایران رایج شد و در دوره صفویه و قاجاریه شکل تکامل یافته‌ای به خود گرفت. در تهران عصر قاجار، مردم به برپایی مراسم مذهبی، بزرگ‌داشت ائمه دین به‌ویژه عزاداری برای شهدای کربلا دست زدند و آن را نوعی فریضه مذهبی به حساب آوردند. از ویژگی‌های عزاداری در دوره قاجار، حضور گسترده زنان به ویژه زنان درباری و همسران رجال و اعیان در این مراسم بود. با توجه به استقبال مردم از نمایش

۱. ناصر نجمی، دارالخلافة تهران در یک‌صد سال پیش، ص ۷۷.

۲. ایران قدیم و تهران قدیم، همان، ص ۳۱۳.

۳. همان، ص ۳۲۵.

۴. ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، همان، ص ۱۶۹.

۵. تعزیه هنر بومی و پیش‌رو ایران، همان، ص ۱۱۲.

تعزیه، تکیه‌هایی به همین منظور برای برگزاری مراسم برپا گردید. ناصرالدین شاه پس از سفر به اروپا و دیدن تماشاخانه‌های اروپایی دستور داد تا تماشاخانه‌ای در تهران بسازند که این تماشاخانه به تکیه دولت مشهور شد. و پس از یک دوره اوج در دوره ناصری، به مرور زمان و با بی‌توجهی به حفظ و نگهداری بنا، سقف بنا به دلیل سنگینی زیاد دچار مشکل گردید. از این رو مظفرالدین‌شاه دستور داد برای ترمیم و ساخت مجدد سقف بنا اقدام شود. در این دوران، به دلیل اوضاع خاص سیاسی - اجتماعی، تجددمآبی و مشروطه‌خواهی و رواج نمایش‌ها غیرمذهبی، اجرای تعزیه رو به افول نهاد. با خلع محمدعلی‌شاه که مراسم آن در همین بنا برگزار شد، تکیه دولت نیز متروک شد.

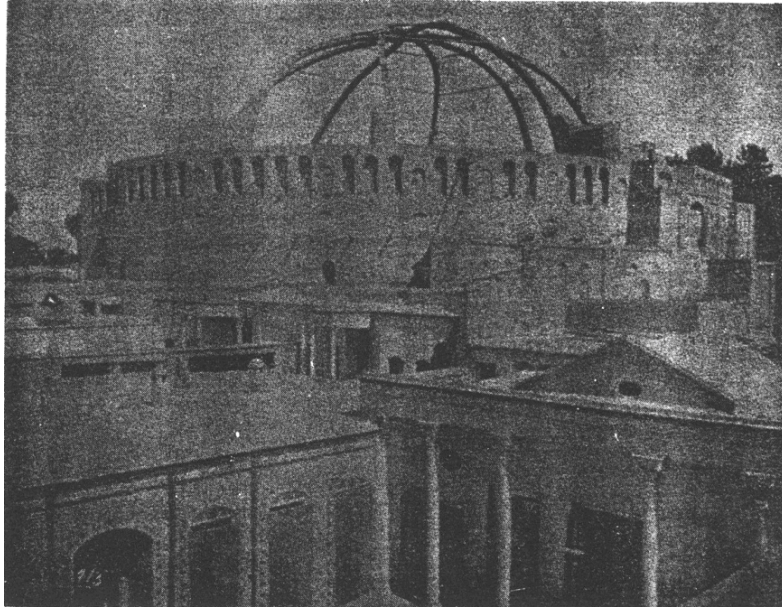
در تکیه دولت به جز مراسم عزاداری دهه عاشورا و مجالس مذهبی، مراسم و مجالس غیر مذهبی نیز برگزار می‌گردید.

رضاشاه با ممنوعیت اجرای تعزیه، در سال ۱۳۲۵ دستور داد تکیه دولت را خراب کنند و به جایش بانک ملی بسازند.

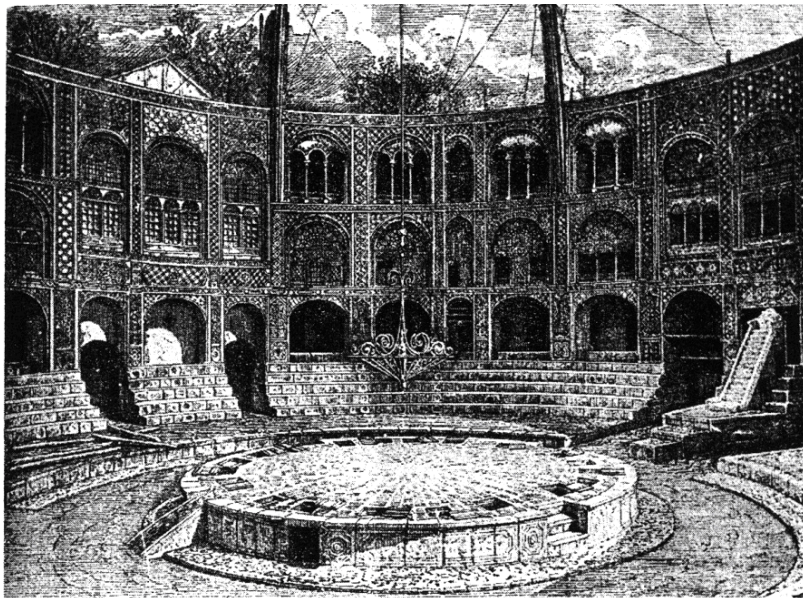
منابع

۱. آتابای، بدری، فهرست تاریخ، سفرنامه، سیاحت‌نامه، روزنامه و جغرافیای خطی کتابخانه سلطنتی، بی‌جا، بی‌نا، ۲۵۳۶.
۲. آر.کدی، نیکی، *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس ۱۳۸۱.
۳. اعتماد السلطنه، محمدحسن‌خان، *المآثر الآثار*، بی‌جا، کتاب‌خانه سنایی، بی‌تا.
۴. اوبن، اوژن، *ایران امروز*، علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۲.
۵. اورسل، ارنست، *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی اصغر شهیدی، بی‌جا، بی‌تا.
۶. بایندر، هنری، *سفرنامه هانری بایندر*، ترجمه کرامت الله افسر، تهران: فرهنگ‌سرا (یساولی) ۱۳۷۰.
۷. براون، ادوارد، *یک‌سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: اختران ۱۳۸۴.
۸. بروگش، هینریش، *در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هینریش بروگش)*، تهران: نشر مرکز ۱۳۷۴.
۹. بزرگ‌نیا، زهره، *معماران ایران از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.
۱۰. بلاغی، عبدالحجّه، *تاریخ تهران*، ج دوم، آموزش و پرورش قم ۱۳۵۰.
۱۱. بلوک‌باشی، علی، *تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی*، تهران: امیر کبیر ۱۳۸۳.
۱۲. بنجامین، گرین ویلر، *ایران و ایرانیان*، رحیم رضازاده ملک، بی‌جا، گلبانگ ۱۳۶۳.
۱۳. بیگی، م. حسن، *تهران قدیم*، بی‌جا، ققنوس، ۱۳۶۶.
۱۴. تقیان، لاله، *تعزیه و تئاتر در ایران*، با هم‌کاری جلال ستاری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۱۵. تکمیل همایون، ناصر، *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران*، ج دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با هم‌کاری شهرداری تهران ۱۳۷۸.
۱۶. چلکووسکی، پیترجی، *تعزیه «نمایش در ایران» یا تعزیه هنر بومی و پیش‌رو ایران*، داوود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

۱۷. ذاکرزاده، امیرحسین، تاریخ و سرگذشت تهران قدیم، تهران: قلم، ۱۳۷۳.
۱۸. ذکاء، یحیی، تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹.
۱۹. سرنا، کارلا، سفرنامه مادام کارلا سرنا: آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، بی‌جا، کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۶۲.
۲۰. سرنا، کارلا، مردم و دیدنی‌های ایران (سفرنامه کارلا سرنا)، غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۲۱. سلطان زاده، حسین، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.
۲۲. شهیدی، عنایت‌الله، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی: از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، با هم‌کاری علی بلوک‌باشی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با هم‌کاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران ۱۳۸۰.
۲۳. فوروکاوا، نوبویوشی، سفرنامه فوروکاوا، دکتر هاشم رجب‌زاده و کینیجی ئه‌اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.
۲۴. قبادیانی، وحید، معماری در دارالخلافه ناصری، تهران: پشتون، ۱۳۸۳.
۲۵. لیدی شیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.
۲۶. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، چاپ پنجم، تهران: زوار، ۱۳۸۴.
۲۷. مصطفوی، سیدمحمدتقی، آثار تاریخی تهران: اماکن متبرکه، تصحیح میرهاشم محدث، چاپ دوم، تهران: انتشارات گروس و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵.
۲۸. معتمدی، محسن، جغرافیای تاریخی تهران، ویراستاران: ع. روح‌بخشان حسین بنی‌آدم با هم‌کاری محمدرسول دریاگشت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
۲۹. نجمی، ناصر، دارالخلافه تهران در یک‌صد سال پیش، چاپ دوم، تهران: ارغوان، ۱۳۷۵.
۳۰. نوربخش، مسعود، تهران به روایت تاریخ، ج ۲، تهران: نشر علم، ۱۳۸۱.
۳۱. همایونی، صادق، تعزیه در ایران، شیراز، نشر نوید، ۱۳۶۸.
۳۲. _____، گفتارها و گفت‌گوهایی درباره تعزیه، شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۰.

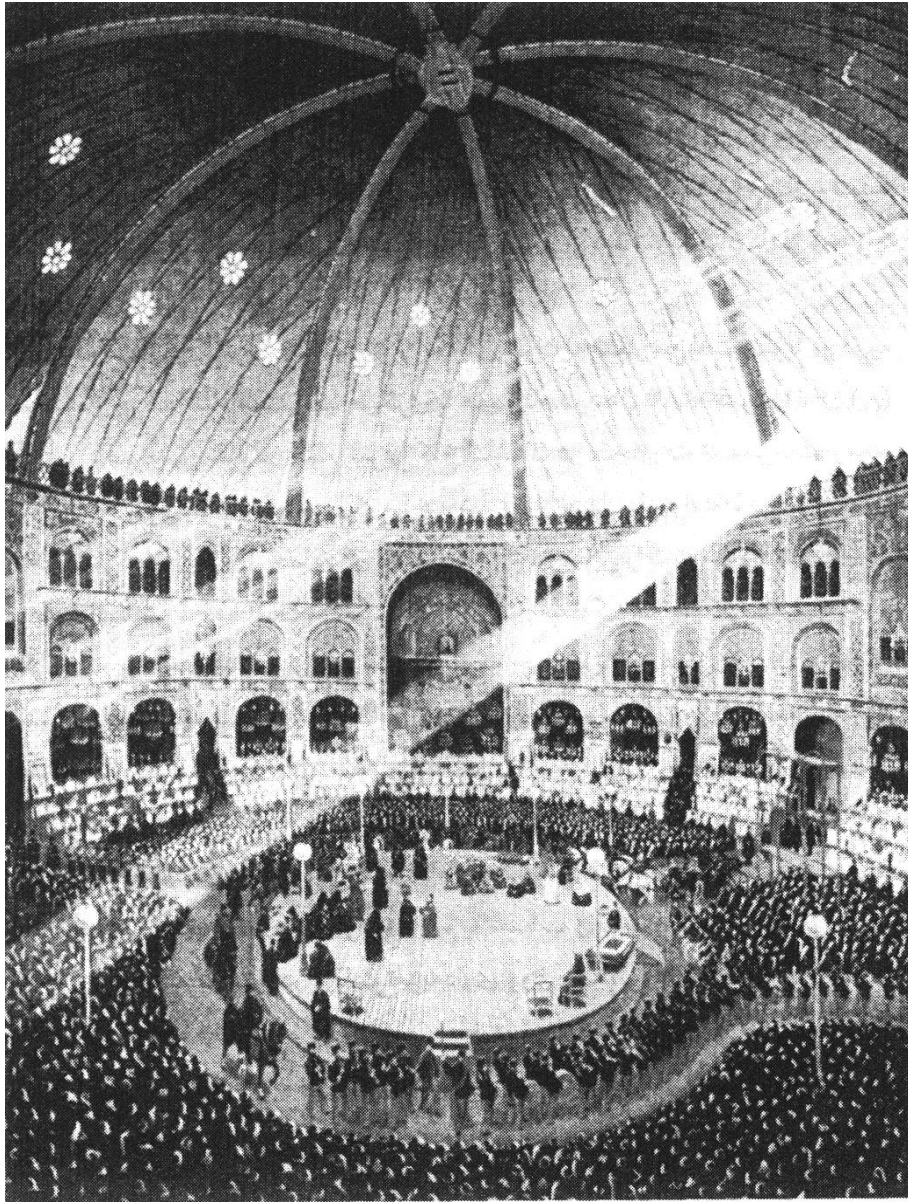


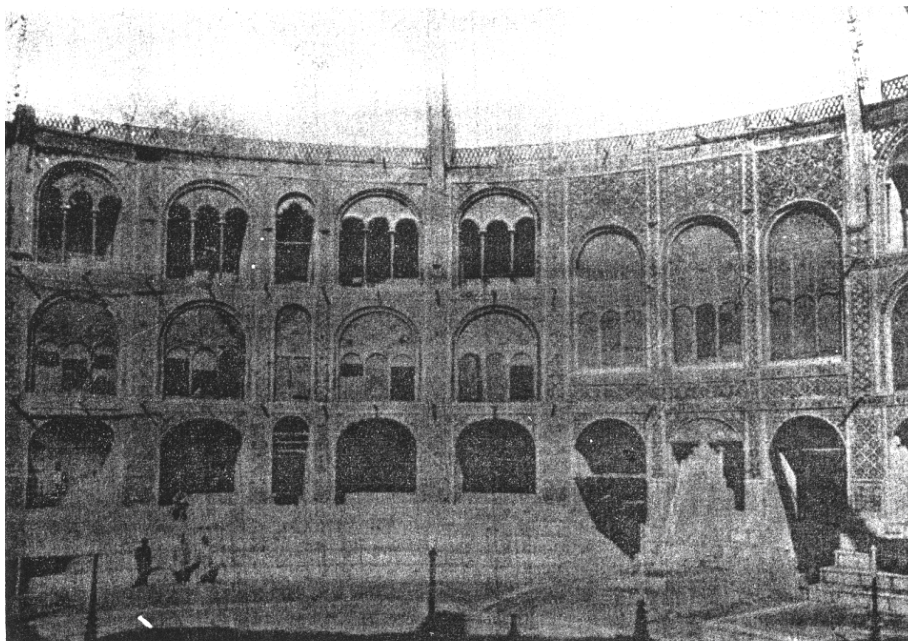
از کتاب تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران جلد اول صفحه ۲۹۲



تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران

از کتاب تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران جلد اول صفحه ۲۹۰





تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران

از کتاب تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران جلد اول صفحه ۲۹۰